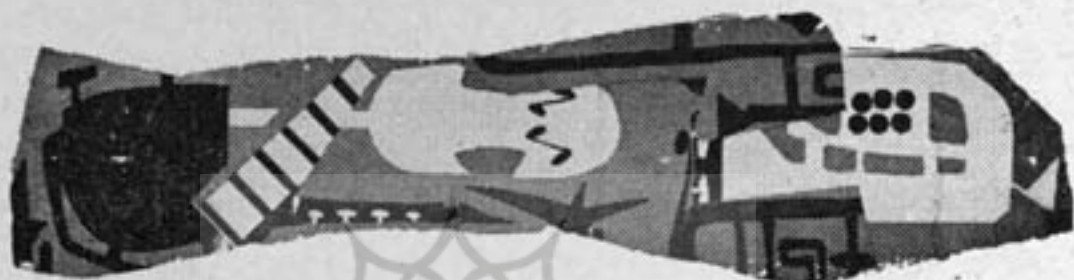


ساز شناسی ... برای همه...



اورگ

پیدایش و تاریخچه

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
«اورگ» (Orgue) با حجم عظیم و شکل عجیب خود ظاهراً سازی بسیار پیچیده می نماید. جزئیات ساختمان آن برآستی پیچیده نیز هست ولی اصول کلی ساختمان و طرز کار آن بسیار ساده است و از آغاز پیدایش تا کنون تغییری اساسی نپذیرفته است.

اورگ نیز یکی از کهنسال ترین سازهاست که آدمی بکار برده است. نشانی از وجود این ساز در حدود دو قرن پیش از میلاد مسیح در اسکندریه بدست آمده است ... شکل اولیه این ساز از يك ارغنون بادی هشت تاده لوله ای تشکیل می شد که بر روی مخزن هوا یا انبانه ای قرار می گرفت. انبانه مزبور بوسیله تلمبه ای آبی پر می شد. لوله های ارغنون بادی مزبور باندازه های مختلف ساخته می شد و بنا بر این از هر کدام صوتی متفاوت

برمی‌خاست. لوله‌های ارغنون بادی که اشاره کردیم بوسیله شستی‌ها یا کشوهای ساده‌ای بکار می‌افتاد که لوله‌ها را باز می‌نمود و جریان هوا را بداخل آنها می‌راند.

اطلاعاتی که از اورگ‌های نخستین در دست است بسیار ناقص و مبهم می‌نماید. عده‌ای از محققان بر آنند که آب در این اورگ‌ها فقط برای تنظیم فشار هوا بکار می‌رفت، گروهی دیگر معتقدند که اورگ آبی و اورگ بادی در طی قرون متمادی بموازات هم تحول و تکامل یافته‌اند. قدم مسلم اینست که اصول اساسی ساختمان اورگ بسیار قدیمیست و بهر حال از مشرق زمین ریشه گرفته است.

در قرن هشتم اورگ، که تا آن زمان بمراسم و مجالس بزم و خوشی اختصاص داشت، بتدریج در مراسم مذهبی کلیساها راه پیدا کرد و از حدود قرن دهم رواج آن در مراسم مذهبی عمومی یافت. از آن دوره بعبداورگ‌های نسبتاً بزرگی ساخته شد که از صدها لوله و دهها دم‌آهنگری تشکیل می‌شد، هفتاد تن دم را بکار می‌انداختند و دوتن نوازندگی می‌کردند ...

در اواخر قرن سیزدهم اورگ‌های کوچک قابل حملی رواج یافت که تا قرن شانزدهم بیش از پیش برواج آن افزوده می‌شد. اورگ‌های قابل حمل را بگردن می‌آویختند، با دست راست کلاویه و با دست چپ دم هوا را بکار می‌انداختند. اورگ‌های کوچک «غیر منقول» بر روی میزی قرار می‌گرفت. از این ساز بخصوص در کلیساهای اقامتگاه نجبا و شاهزادگان استفاده می‌شد، نوازنده با دودست بر روی کلاویه می‌نواخت در حالی که يك نفر دیگر دم را بکار می‌انداخت.

در قرن سیزدهم و چهاردهم ساختمان کلیساهای بزرگی در مغرب زمین آغاز شد. در کلیساهای بزرگ وجود اورگ‌های پرضدائی که محوطه کلیسا را فراگیرد ضرورت داشت. در همین دوره است که اورگ بزرگ (Le grand orgue) با بعرصه و جسد نهاد و ساختمان فنی آن نیز بطور محسوسی رویتکامل گذارد. در قرن شانزدهم به سه صفحه کلاویه دستی يك رکاب پائی (Pédalier) نیز افزوده شد، تعداد وهم نوع «طنین» های (Jeux) آن وسعت بیشتری یافت. صنعتگران انگلیسی، ایتالیائی، فلاماندى،

فرانسوی و هلندی آنرا به امکانات صوتی و فنی جدیدی مجهز ساختند. در طی قرن هفدهم و هیجدهم توجه و کوشش بیشتری نسبت برفع نواقص دم و ایجاد فشار هوای مساوی و مرتب بعمل آمد و سرانجام در اواخر قرن هفدهم و نیمه اول قرن هیجدهم «اورگ کلاسیک» شکل قطعی خود را بدست آورد. بسیاری از صنعتگران سازنده اورگ در این دوره شهرت بسیار دارند (منجمله «شیتگر» و برادران «سیلبرمن» آلمانی، «کلیکو» و «لوفهرو» و «بدوس» فرانسوی).

ساختمان، طرز کار و امکانات اورگ

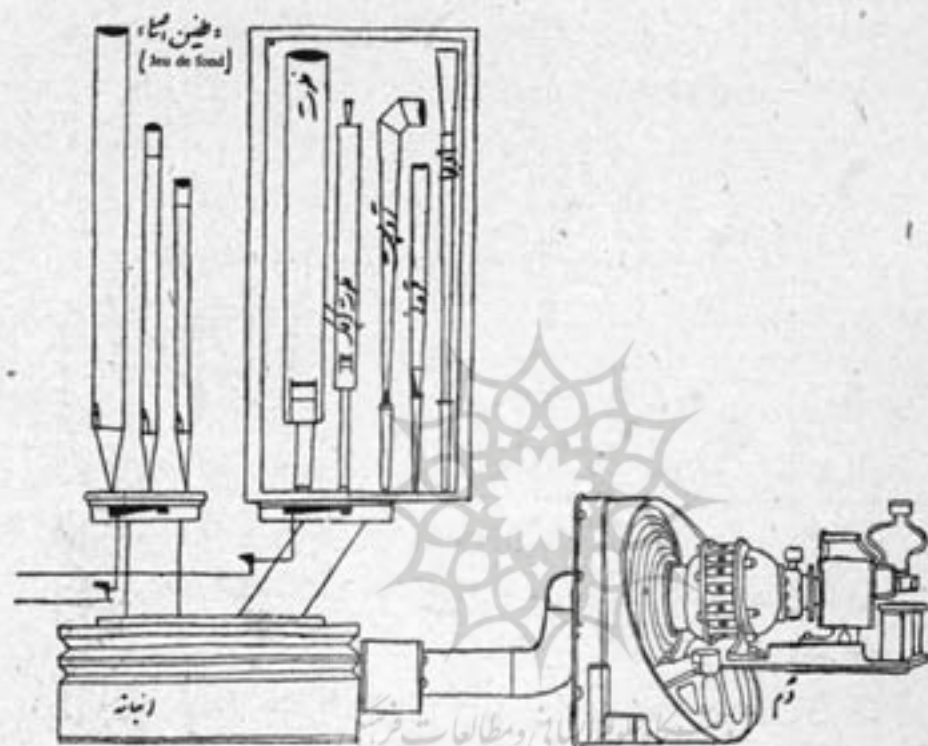
اورگ جدید دارای چندین رشته لوله است که بترتیب قد و اندازه در کنار یکدیگر قرار می گیرند. این لوله ها با مخزن هوا - یا هواگیری - مربوطند که «Sommier» خوانده می شود. مخزن هوا نیز با دستگاهی شبیه به دستگاه دم آهنگری مربوطست (Soufflerie) که در دوره مابا موتور برق کار می کند. نوازنده اورگ، چون نوازنده پیانو و کلاوسن، در برابر صفحه های کلاویه و «پدال»ها می نشیند. «مکانیسم» دقیقی بین کلاویه ها و مخزن هوا رابطه ای برقرار می کند بطوریکه اگر بروی هر کدام از شستی های کلاویه فشاری وارد آید سرپوش یکی از لوله ها باز می شود و جریان هوا وارد لوله مورد نظر می گردد و در آن با ارتعاش در می آید و در نتیجه نوت معینی «اجرا» می گردد. صفحه های کلاویه بروی پایه یا نوعی میز قرار می گیرد که «Console» نام دارد. صفحه های کلاویه (که معمولاً سه تاست) مثل پله کان یکی بروی دیگری جای دارد. در پایین پایه یا میز مزبور، بروی کف زمین، کلاویه چوبی بزرگی هست که «Pédalier» خوانده می شود. گذشته از این دگمه ها و مهره ها و رکاب های دیگری نیز در بالای کلاویه های دستی و همچنین حوالی کلاویه پائی اورگ بنظر می رسد که مربوط به لحن ها و «طنین»^۱ (Jeux) های متنوعیست که اورگ می تواند جداگانه و یا درعین حال اجرا کند.

«طنین» اورگ مجموعه لوله هایست که همه دارای يك لحن و «تمبر» هستند. کلاویه ها، دگمه ها، مهره ها و رکاب های متعدد اورگ کارشان اینست

۱ - به فصل مربوط به کلاوسن (شماره ۲۹ مجله موسیقی) رجوع فرمائید.

که «تمبر» های متنوعی بوجود آورند زیرا درحقیقت اورگ اورگستریت و نوازنده اورگ می تواند با دستها و پاهاى خود «تمبر» های سازهای مختلفی را بشنواند. اسامی تمبرهای مختلف بر روی دکمه‌هایی که اشاره کردیم نوشته شده است - از قبیل «فلوت ۸»، «زنبور» (Bourdon)، «صدای آدمی» (Voix humaine) «خیماره ای» (Bombarde)، «موقر» (Prestant)، «کور شب» (Cor de nuit) ...

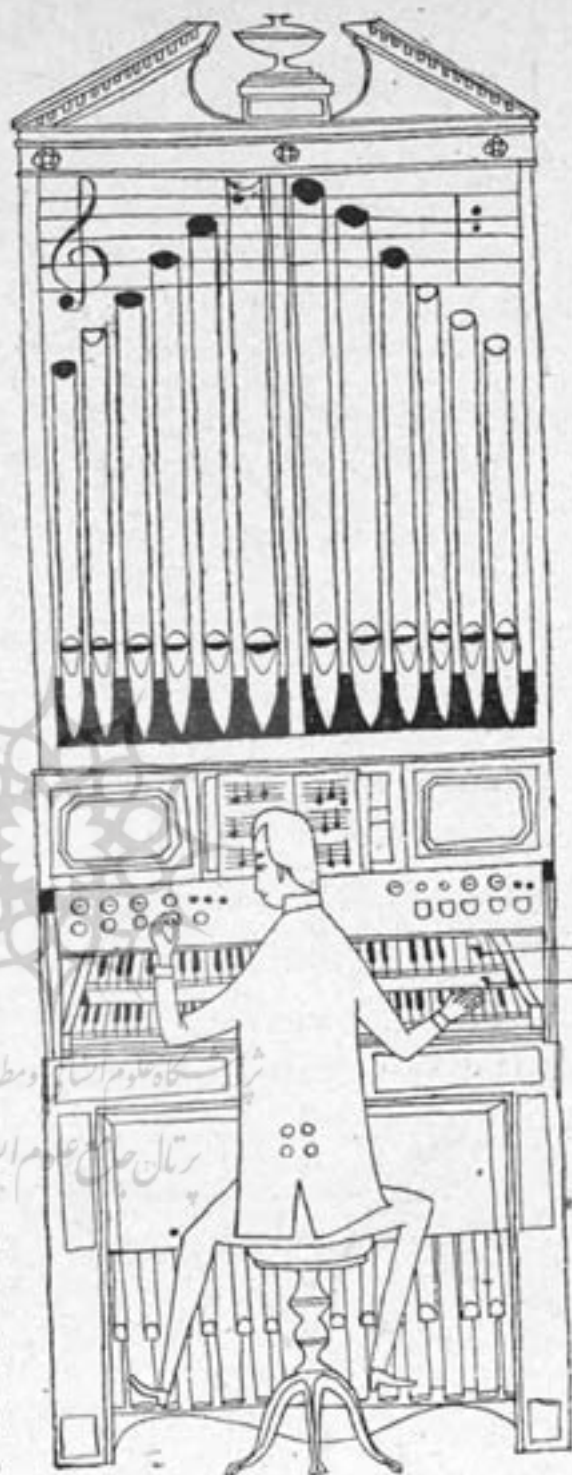
در فصلهای پیشین گفتیم که دهانه برخی از سازهای بادی - چون فلوت -



بشکل بریدگی موربیت که نفس نوازنده از درون آن لوله هوایی ایجاد می کند، و برخی دیگر - چون اوبوا و قره نی - دارای تیغه نازکی (قمیش) است که در اثر دمیدن بارتعاش درمی آید. لوله های اورگ (یا بعبارت فنی «طنین» های آن) بر دو نوعند: «طنین های دهنی» (Jeux à bouche) که به لوله فلوت می مانند و «طنین های قمیشی» (Jeux d'anches) که در حقیقت معادل اوبوا و قره نی و ترومپت هستند. صنعتگران سازنده اورگ موفق شده اند در هر کدام از دو نوع نامبرده «تمبر» های متنوع و متعددی ایجاد نمایند.

این نکته را هم باید دانست که هر اورگمی شکل و وسعت مخصوص بخود را دارد و دواورگ همانند پیدا نمی-توان کرد و این خود موجب اشکال کارنوازنده اورگست. فی المثل اورگ کلیسای «سن-پیر» رم دارای چهارده طنین بود در صورتی که اورگ بزرگ شهر فیلادلفی امریکا دوست و سی و پنج طنین (وهجده هزار لوله!) دارد ...

هر کدام از صفحه‌های کلاویه چندین رشته لوله-یا چندین «طنین»- را بکار می‌اندازد. تعداد کلاویه‌های اورگ گاهی به پنج نیز می-رسد ولی غالباً از سه تجاوز نمی‌کند. براین تعداد کلاویه پائی را نیز بایستی افزود. و مطابقت کلاویه‌های اورگ نیز هر کدام امیتی خاصی دارند از قبیل کلاویه اورگ بزرگ که دارای صوتی قوی و پرمایه است، کلاویه «پوزیتیف» (Positif) و کلاویه «انعکاس» (Écho) که طنین‌های نسبتاً ملایمی را بکار می‌اندازد.



با استفاده از کلاویه‌های مختلف می‌توان «سونوریت»های مختلفی را در هم آمیخت یا بمقابله واداشت. فی المثل یکی از دستها می‌تواند ملودی را با

رنگ و شدت معینی بر روی یکی از کلاویه‌ها بنوازد، دست دیگر با شدت و رنگ دیگری ملودی را بر روی کلاویه دیگری همراهی نماید و پاهای قسمت «باس» را با رنگ دیگری بر روی کلاویه پائی اجرا کند.

گفتیم که اورگ را از لحاظ تنوع «تمبر» ها با اورگستر مقایسه می‌توان کرد و اسامی سازهائی چون فلوت و قره‌نی و «کورنه» و «ویول دو گامب»^۱ بردگه‌های آن نوشته‌است. ولی در مورد مقایسه و تشبیه «تمبر» های اورگ با اورگستر نبایستی راه اغراق پیمود زیرا تمبرهای مزبور در اورگ حالت و رنگ خاصی دارند که مخصوص اورگ است.

گذشته از «طنین» هائی که برشردیم اورگ دارای «تمبر» های کاملاً خاص دیگریست که مخصوص خود آنست. «طنین‌های دهنی» - یعنی لوله‌هائی چون فلوت - دو نوعند: «طنین‌های اصلی» (Jeux de fonds) و «طنین‌های مخلوط» (Jeux de mixtures). «طنین‌های اصلی» صوت اصلی و خالص را بگوش می‌رسانند (بعضی از انواع این طنین عبارتند از: «Montre»، «Gambes» «صدای آسمانی»، «فلوت...»). «طنین‌های مخلوط» صوت اصلی را با اصوات فرعی - آرمونیک‌های - آن بهم آمیزند و بدین ترتیب درخشش و برجستگی خاصی بصوت می‌بخشند.

علاوه بر این با کمک تمپید فنی مخصوصی می‌توان هنگام نواختن بر روی یک کلاویه، کلاویه‌های دیگر را نیز عیناً بحرکت درآورد.

حدود صوتی طنین‌ها را با ارتفاع لوله‌ها تعیین می‌کنند بدین معنی که فی‌المثل بلندی لوله «دهنی» که صدای دو (Ut1) می‌دهد ۸ پاست (در حدود ۲/۶۰ متر). اگر این لوله را نصف کنند یعنی ارتفاع آن ۴ یا (۱/۳۰ متر تقریباً) باشد صدای دوی اکتاو بالاتر خواهد داد. بهمین ترتیب کویک طنین ۱۶ پائی دوی اوکتاو پائین خواهد بود. بدین گونه بر روی اورگ با یک انگشت می‌توان یک گام با اوکتاو (یعنی ذرحقیقت دو گام موازی با یک اوکتاو فاصله) نواخت.

نوازنده اورگ می‌تواند بر روی یک کلاویه طنین‌های ۸ و ۴ و ۱۶ پائی و همچنین «طنین‌های مخلوط» را بهم بیامیزد...

۱ - Virole de gambe نوعی ویولونسل قدیمی.

از خلال آنچه گذشت می توان دریافت که امکانات و تنوع «تمبر» و رنگ آمیزی اورگ تاچه حد وسیعست. با انواع طنین های گوناگون (که چندتا را اسم بردیم) و همچنین با خصوصیات صوتی لوله های متعدد اورگ، ترکیبات بی شمار و متنوعی بر روی آن امکان پذیر می گردد بخصوص اگر در نظر آوریم که در نتیجه پیشرفتهائی که در صنعت ساختن اورگ حاصل شده، عملی ساختن امکانات مزبور بیش از پیش آسان گشته است. روزگاری بود که، در طی قرون وسطی، نوازنده اورگ ناگزیر بود با فشار دست و موج، کلاریه شستی را فرود آورد زیرا شستی های قدیمی بسیار سنگین و خشن بود. امروزه نوازنده اورگ با سازی مطیع سروکار دارد که بدون مقاومت زیاد، نیات و اوامرش را انجام می دهد...

نوازندگان و آهنگسازان اورگ

اورگ در مغرب زمین بهترین ساز «مذهبی» بشمار می رود. ولی برخلاف آنچه غالباً تصور می شود مدت زیادی نیست که اورگ منحصر آدر مراسم مذهبی بکار می رود (تقریباً از اواخر قرن هفدهم). اورگ قدیمی در آتر و سیرک مورد استعمال داشت. در قرون وسطی اورگ بیشتر به موسیقی غیر مذهبی اختصاص داشت. هنگامی که اورگ دو کلیساها راه یافت در آغاز کار وظیفه اش همراهی پولیفونی آوازی بود. یکی از علل اینکه اورگ را بعنوان ساز مذهبی برگزیده اند اینست که اورگ تاحدی مجموعه ایست از سازهای دیگر ولی نواختن آن مستلزم يك نوازنده بیش نیست و از طرف دیگر صداهای اورگ چنانست که با آسانی می تواند در محوطه کلیسای بزرگی رسا باشد. علت دیگر اینکه لحن خاص اورگ شاید بیش از هر ساز دیگری به لحن صدای آدمی شباهت دارد تا جائی که بصدا در آمدن لوله های اورگ را در زبانهای اروپائی «سخن گفتن» (Parler) می خوانند. رؤسای مذهبی مسیحی در آغاز کار نسبت بسازهای موسیقی التفاتی نداشتند و استعمال آنها را تحریم می نمودند و فقط موسیقی آوازی را در خور شأن کلیساهای شمردند. از همینرو اورگ را که صدایش بصدا ی آدمی شباهت داشت مناسب ترین ساز ممکن برای همراهی آوازهای کلیسایی تشخیص دادند.

در آغاز قرن نوزدهم اورگ اندکی بفراموشی گرایید. آهنگسازان نیز نسبت باین ساز - که تا آنموقع منبع الهام آثار بسیار زیبایی بود - بی‌اعتنائی نشان می‌دادند. در این دوره تمایلی پدید آمد که بیش از پیش ساختمان اورگ را بتقلید سازهای مختلف اورگستر سنفونیک وادارند. صنعتگری بنام «کاوایه - کول» بخصوص در این راه کوشید و تغییرات قابل ملاحظه‌ای بهمین منظور در ساختمان اورگ عملی ساخت. امروزه معمولاً اینگونه «تقلیدهای سنفونیک» را در مورد اورگ اندکی ناپسند می‌شمارند زیرا موجب تحریف خصوصیات اصلی اورگ می‌گردد. آهنگسازان این دوره نیز (و منجمله «تودور دوبوا»ی فرانسوی) در آثاری که برای اورگ می‌نوشتند بجای سبک پولیفونیک معمولی شیوه سنفونیک را اختیار کردند. این امر حتی در مورد آهنگساز پرمایه‌ای چون «سزار فرانک» نیز صدق می‌کند. با اینحال «سه کورال» او از آثار مشهور و ارزنده ادبیات اورگ بحساب می‌آید.

حرفه و وظیفه نوازنده اورگ در کلیسا و مقتضیات کار او چنانست که بایستی وی در عین حال نوازنده و آهنگساز و بداهه نواز باشد. نوازندگان بزرگ اورگ در قرنهای گذشته نیز، چون «فرسکو بالدی» در قرن شانزدهم، «بوکستهود» و «گرینی» در قرن هفدهم و «کوپرن» و «باخ» در قرن هجدهم، در عین حال بزرگترین اورگ نوازان و آهنگسازان دوره خود بودند. در نیم قرن اخیر متأسفانه آهنگسازان بزرگ آثار زیادی برای اورگ نوشته‌اند و حتی آهنگسازی چون «فوره» که خود نوازنده اورگ بود حتی یک قطعه هم برای ساز تخصصی خود ننوخته است. «دوبوسی» و «ستراوینسکی» هم کمابیش این ساز را نادیده گرفته‌اند. راست است که از نوازندگان بزرگ اورگ در این دوره (و منجمله «ویدور») آثار پراچی برای اورگ بیادگار مانده است ولی همچنانکه گفتیم آهنگسازان درجه اول در این مدت باورگ توجهی مبذول نداشته‌اند.

ابن وضع در دوره ما خوشبختانه اندکی تغییر یافته و آهنگسازان معاصر بیش از پیش آثاری به اورگ اختصاص می‌دهند. از جمله اینان «پولن» آهنگساز فرانسوی مخصوصاً قابل ذکر است که کنسرتوئی برای اورگ و

اورگستر نوشته که البته هیچ جنبه مذهبی ندارد. «مسیحیان» فرانسوی آهنگساز نوپرداز معاصر نیز که خود نوازنده اورگ است آثار جالب و بدیعی برای این ساز بوجود آورده است. این توجه روزافزون مسلماً با پیشرفت‌های فنی مربوط بصنعت ساختن اورگ، که در دوره ما روز بروز موقیتهای تازه‌ای می‌یابد، نیست.

چون مشاهده شده است که مراسلات مربوط به مجله موسیقی گاهی اشتباهاً از طرف نامرسانهای پست به موسسات دیگری داده شده و موجب تأخیر در وصول آنها گردیده است از خوانندگان مجله و کلیه کسانی که بامجله موسیقی مکاتبه می‌نمایند و همچنین همکاران مطبوعاتی که بامجله موسیقی مبادله مطبوعاتی دارند درخواست می‌شود در مراسلات و مکاتبات خود نشانی مجله موسیقی (۷۶ خیابان دانشکده) را قید فرمایند.

دفتر مجله موسیقی